

دفاع از انقلاب! جهاد اسلامی

باید بررسی کنیم که جنگ مشروع در حقوق اسلامی، و به تعبیر دیگر ماهیت جهاد اسلامی چیست و مجوزات آن کدام است؟ بی شک باید در این باره به دو اساس اصلی تفالیم و قوانین اسلامی یعنی «قرآن» و سنت پیامبر (ص) رجوع کنیم و این دو مدارک را با دقت کامل مورد مطالعه قرار دهیم.

در موارد متعددی از قرآن مجید بطور صریح از «جهاد» صحبت شده و مسلمانان به انجام این فریضه مقدس اجتماعی تشویق و تحریص شده اند، ما برای بدست آوردن روح اصلی مسئله جهاد در اسلام این آیات را بررسی میکنیم و اصول دستورالعملی که از آن آیات استفاده میشود بطور مشخص توضیح میدهیم و اینک آیات: «در راه خدا کسانی که با شما جنگ دارند (میخواهند شما را بقتل رسانند) کارزار کنید ولی تجاوز و تعدی ننمایید؛ قتل خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد در همه جا برای نابود ساختن آنها پناخیزید و از همانجا بیرونشان کنید که شما را بیرون کردند زیرا که فتنه پیاوردن از کشتن سخت تر است، و با آنها در خانه خدا جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آنجا به پیکار برخیزند».

پس اگر شما را کشتند شما هم آنها را بکشید، پاداش ستمگران چنین است، و اگر دست برداشتن (از در سلاح درآئید و بدانید) خدا بسیار گذشت کننده و مهربان است، و با آنها تقابل جنگ کنید که فتنه و آشوب از بین برود و دین برای خدا باشد اگر باز ایستادند و دست برداشتن (دست بردارید) در این صورت جز با تجاوز از آن ستمگران دشمنی روانیست هر کس شما تجاوز کرد باندازه همان تجاوز با او کیفر دهید و از خدا بترسید که خدا پرهیزکاران را دوست دارد» (بقره ۱۹۱-۱۹۴).

(با دشمنان خود) کارزار کنید تا فتنه و آشوب از میان برود و دین و آئین برای خدا باشد

و هر گاه دشمنان (از مخالفت و ستیز) دست برداشتند (شما هم دست از کارزار بردارید) و خداوند به تمام آنچه میکنند بصیر و بیناست (سوره انفال ۲۹).

آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد نمودند، و آنانکه (بمهاجرین) پناه دادند و آنها را یاری کردند، این جمعیها دوست یکدیگر هستند، و آنانکه ایمان آوردند ولی هجرت نکردند شما نباید با آنها طرح دوستی بریزید تا موقعیکه آنها هم هجرت کنند، ولی همینان اگر در کار دین از شما کمک خواستند باید به کمک آنها بشتابید و در اینکار باید پیمان خود را با هم پیمانان مراعات کنید و خداوند به آنچه میکنید بینا است، آنانکه کافر شدند دوست و پشتیبان یکدیگرند، هر گاه شما یکدیگر را یاری نکنید فتنه و فساد بزرگی در روی زمین پیاپی می شود (سوره انفال ۷۳).

چرا کارزار نمیکنید در راه خدا و در راه آنعده از مردان و زنان و کودکان که ناتوانند و دوره بجائی نمی برند و میگویند پروردگارا! ما را از این سرزمین که اهل آن ستمگرند بیرون ببر. و از جانب خود برای ما سرپرستی مبین کن و خود برای ما یاری برانگیز (سوره نساء آیات ۷۴ و ۷۵).

به آنانکه دشمن با آنها میجنگد، اجازه داده شد کارزار کنند زیرا مورد ستم واقع شده اند و قطعاً خدا بر یاری آنها تواناست، اینان از سرزمین خود بناحق اخراج شده اند، برای اینکه میگویند: پروردگارا ما «خدای یکتا» است، اگر خدا جلوش رو تجاوز دستهای از مردم را بادهستهای دیگر نمیگرفت، بی تردید سومعهها و کنیسهها، و مراسم نماز و مسجدها که نام خدا در آنها فراوان برده میشود بویرانی کشیده میشد، و خدا آنان را که یاریش کنند قطعاً یاری میکند و بی تردید، خداوند قوی و عزیز است (سوره حج آیه ۴۱).

هر گاه کافران با اینکه با شما پیمان بسته اند پیمانهای خود را شکستند و بدین شما طعنه و ضرب زدن؛ بارهبران کفر بچنگید دیگر پیمان و قرارداد آنها ارزشی ندارد... آیا با جمعیتی که سوگند های خود را شکستند و برای اخراج پیامبر (از مکه) تلاش کردند و اولین بار آنها ستیز با شما را آغاز نمودند، پیکار و کارزار نمیکنید؟ با آنها بچنگید خدا آنان را بدست شماعذاب میکند و خوارشان میسازد و شمارا بر آنان پیروز میگرداند (توبه آیات ۱۲ و ۱۱).



در این آیات برای تشریح جهاد و صدور فرمان کارزار، علتها و هدفهای ذکر شده که میتوانیم روح کلی و فلسفه اصلی «جهاد» را در اسلام از این علل و هدفها بدست آوریم و ماهیت

این قانون را آنچنانکه هست بشناسیم ، این علل و هدفها چنین هستند :

- ۱ - ازجان و مال و جامعه خود دفاع کنید و با کسانی که با شما میجنگند بجنگید .
- ۲ - جنگ را آنقدر ادامه دهید که فتنه و آشوب ریشه کن شود و هر کس بتواند آزادانه از دین خدا پیروی کند .
- ۳ - باید مسلمانانی را که در جنگال دشمنان هستند و طلب کمک میکنند یاری کرد و حتی بنفع آنها وارد جنگ و کارزار شد .
- ۴ - جنگ کنید برای آزاد ساختن مردمیکه اسیرستم هستند و آنها را از اسارت ظلم نجات دهید .

در قرآن مجید دو آیه صریح و مهم دیگر در مورد کارزار با «اهل کتاب» دیده میشود که باید این دو آیه را نیز مورد بررسی قرارداد :

- ۱ - با اهل کتاب که بخدا و روز واپسین ایمان نمیآوردند و آنچه را خدا و پیامبرش حرام گردانیده حرام نمیدانند و پیرو آئین حق نمیشوند پیکار و کارزار کنید تا آنان جزیه بپردازند و در برابر حکومت اسلامی تسلیم شوند (سوره توبه آیه ۲۹) .
- ۲ - ای مردمی که ایمان آورده اید ! هنگام مبارزه و کارزار با دشمنان نخست با دشمنان نزدیکتر کارزار کنید ، به آنها سختی و صلابت نشان دهید و بدانید خدا باتقوی پیشگان است (توبه ۱۲۴) .

باید دید بر خورد اهل کتاب با جامعه نوظهور اسلامی چگونه بوده است و چرا فرمان داده شد مسلمانان با اهل کتاب کارزار کنند ، در این باره میتوانیم به دو مدرك رجوع کنیم : یکی خود قرآن و دیگری تاریخ اسلامی ، هر گاه خود قرآن را علاوه بر اینکه منبع يك سلسله معارف و تعالیم عالیه و حیات بخش میباشد معتبرترین سند تاریخی نسبت به اوضاع آنروز بدانیم و این واقعیت را بپذیریم که قرآن بیش از هر سند دیگر روابط اهل کتاب را در آنروز ، با جامعه اسلامی منعکس میکند ، قطعاً باید برای تشخیص این برخورد به قرآن مراجعه کنیم ، قرآن در موارد متعددی میگوید : «اهل کتاب» در حجاز و اطراف آن از راههای مختلف و با وسایل گوناگون ، در تحول و تکامل جامعه اسلامی جدید ، اخلاص و کارشکنی میکردند و میکوشیدند به صورتی شده آن را تجزیه کنند و پیشرفت آن را متوقف سازند ، برای نمونه می توان آیات ۵۸ سوره انفال - ۲۵ و ۲۶ سوره احزاب - ۳۱ و ۳۴ سوره توبه - ۶۴ سوره مائده ۲۱ و ۱۱۱ و ۱۸۶ سوره آل عمران و ۷۵ سوره بقره را یاد آور شد .

تاریخ اسلامی هم بصورت خیلی روشن این کارشکنی و اخلاص را ضبط نموده است و میتوان

از جمله این نواریخ معتبر اسلامی «سیره ابن هشام، جلد ۳ (چاپ ۱۳۷۵ مصر) صفحات ۴۷ تا ۴۹ و ۱۹۰ تا ۲۰۲ و ۲۳۳ تا ۲۴۲ و ۲۸۹ تا ۲۹۶ را نام برد.

از بررسی آیات یاد شده اخیر و متون معتبر تاریخی به این نتیجه میرسیم که عده‌ای از اهل کتاب عملاً به مبارزه و ستیز با جامعه اسلامی پرداخته بودند و عده‌ای دیگر نطفه چنین مخالفت‌ها و ستیزه‌هایی را در خود داشتند و بدینجهت فرمان کارزار با اینان داده شده بود که از اخلاص آنها در کار گسترش فکری و معنوی اجتماع اسلامی جلوگیری شود و همانطور که از کلمه «صاغرون» بطور خیلی صریح فهمیده میشود هدف این بوده است که با سلب استقلال سیاسی و نظامی از این دسته‌ها زمینه تمام این کارشکنی‌ها و خطرهای از بین برود.

با توجه به همه آیات یاد شده (چه آیاتی که فرمان کارزار بابت پرستان را میدهد و چه آیاتی که فرمان کارزار با اهل کتاب را) بطور کامل روشن بدست می‌آید که: ماهیت «قانون جهاد» در اسلام جز «دفاع از انقلاب» نیست، جهاد نه جنگ برای مسلمان کردن مردم است و نه جنگ برای استثمار و استعمار و حکومت، و نه حتی سلب استقلال سیاسی از مردم هدف اصلی جهاد است.

جهاد دفاع از تکامل و گسترش انقلاب اسلامی است، اسلام شیوه‌ای است انقلابی در طرز تفکر و فلسفه زندگی و نظام زندگی، این انقلاب حق گسترش و تکامل دارد و هر گاه فرد یا جامعه‌ای مزاحم گسترش این انقلاب که از راههای کاملاً مسالمت آمیز میخواهد جلو برود (۱) نشود نه سر جنگی با او دارد و نه قصد تجاوز به او. اما واقعیت اینست که در صحنه مبارزات عقائد و افکار، همیشه مکتبها و نظامهای مخالف یک انقلاب دست بکار اخلاص می‌شوند و حیات انقلاب نوظهور را تهدید میکنند، در این مرحله است که به جامعه اسلامی از طرف خدا فرمان داده میشود حیات انقلاب و گسترش آن را با توسل بقوای نظامی حفظ کند و این به این معنی نیست که فقط وقتی دشمن حمله مسلحانه کرد، جامعه اسلامی هم دفاع مسلحانه نماید، بلکه در بسیاری از موارد، حمله ابتدائی، بمنظور خفه کردن عوامل مخالف در نطفه، و حتی ایجاد یک مرکزیت سیاسی قوی بطوریکه زمینه‌های تجزیه و خراب-

(۱) «در دین اکراه نیست» سوره بقره آیه ۲۵۷.

هر گاه (از آیات خدا) روگردان شدند، ما که ترا نفرستاده‌ایم آنها را اجبار و اکراه

کنی، و وظیفه تو تبلیغ رسالت است. سوره ۴۲ آیه ۴۷.

با اهل کتاب فقط با بهترین روشها بحث کن، مگر آنانکه ستمگری پیشه کرده‌اند

سوره ۲۹ آیه ۴۵.

دعوت کن به راه خدای خود با دلائل و براهین روشن، و پندهای نیکو و با آنها با بهترین

روشها بحث کن. سوره اسری. و آیات ۱۳-۱۴ سوره ۴۲ - آیه ۱۹ سوره ۳- آیه ۶ سوره ۹،

کاری ازین برود (تظیر آنچه پیامبر در حجاز بوجود آورد) دفاع از حیات و گسترش انقلاب محسوب میشود و اینست معنای «جهاد ابتدائی» که در کتب فقه از آن یاد شده است. برخلاف تصور عمومی، جهاد ابتدائی این نیست که جامعه اسلامی مثلاً هر سال موظف باشد لشکر کشی راه بیاندازد و نقطه‌ای را فتح کند، آنچه وظیفه اصلی است کوشش هر چه تمام‌تر در گسترش انقلاب است در راه‌های مسالمت‌آمیز و هر گاه این روش بطور «بالتوه» یا «بالفعل» از جانبی مورد تهدید قرار بگیرد و جامعه اسلامی تشخیص دهد که برای رفع خطر و مانع، راهی غیر از توسل بقوای نظامی ندارد در این صورت متوسل بقوای نظامی میشود.

بنظر ما وقتی جهاد اینطور تفسیر شود تعبیری که بهتر از «دفاع از انقلاب» بر قامت این قانون متناسب باشد پیدا نخواهیم کرد و در اینجا است که باید بگوئیم همانطور که در حقوق بین‌المللی امروز «دفاع از منافع حیاتی» یک کشور برای آن کشور مجوز جنگ محسوب میشود و همانطور که حقوق بین‌المللی امروز بموجب «منشور ملل متحد» به‌ممل متحد اجازه داده برای دفاع از صلح از نیروی نظامی استفاده کند.

در اسلام هم «دفاع مسلحانه از انقلاب» مجوز جنگ شناخته شده و همانطور که گفتیم دفاع از انقلاب گاهی بصورت دفاع در برابر یک هجوم نظامی است. و گاهی بصورت اقدام بیک هجوم نظامی.

در آینده مسئله‌ها از دیدگاه «سنت پیامبر در جهاد» بررسی خواهیم نمود و سپس این مسئله‌ها بیشتر تشریح خواهیم کرد که آیا اصولاً یک مکتب انقلابی میتواند توسل به قوای نظامی را برای همیشه و در همه شرائط بیوسد و کنار بگذارد؟ آیا عوامل مخالف سیستم‌هایی که تار و پود آنها بر اصول و تفکراتی صد درصد مخالف با این مکتب انقلابی بنیان‌گذاری شده به آسانی اجازه حیات و گسترش به مکتب انقلابی میدهند؟! و احیاناً اگر در جهان امروز در نقاط خاصی امکان چنین وضعی وجود داشته باشد در جهان پراز فتنه و فساد و ستم چهارده قرن قبل هم وجود داشت؟ و آنروز جامعه اسلامی میتواندست برای حفظ انقلاب خود متوسل بقوای نظامی نشود؟ و مسائل دیگری که به تشریح آنها خواهیم پرداخت.

توضیح

مقاله «بیست حقیقت مهم درباره فلسطین» که در این شماره چاپ شده،

توسط آقای خسرو گریست، از مجله‌ای بزبان انگلیسی و بنام: Middle

East Forum شماره مخصوص سال ۱۹۶۸ ترجمه شده است.